

بیژن عبدالکریمی:

با سطل ماست، نمی‌توان جلوی «سونامی پسامدرن» ایستاد!

استاد فلسفه، راهکار مواجهه با شکاف نسل جدید از سنت دینی و تاریخی ایران را، توجه به تفکر فلسفی و پدیدارشناسانه می‌داند.

به گزارش سایت خبری پرسون، در نخستین جلسه از سلسله نشست‌های «دینداری و دین‌گریزی در ایران امروز»، که به مناسبت ماه مبارک رمضان از سوی انجمن اندیشه و قلم و کانون توحید آغاز شده، بیژن عبدالکریمی با موضوع «سنت دینی در ایران و دومین شکاف تمدنی» سخنرانی کرد.

در برابر سیلی پسامدرن هم غافلگیر شدیم

این استاد فلسفه دانشگاه، نخستین مواجهه ایرانیان با تمدن غرب را مربوط به جنگ‌های ایران و روس دانست که با ویران شدن برج و باروهای عالم سنت بر سر ایرانیان، اولین شکاف تمدنی را در ایران رقم زد و نیم قرن اخیر را زمان دومین شکاف تمدنی ما دانست که با انقلاب اسلامی نیز مصادف شده است.

وی با اشاره به شکل‌گیری «شک و بی‌تفاوتی» در میان جامعه تأکید کرد: سنت تاریخی و معنوی ایرانیان، با اسلام آغاز نشده؛ بلکه یک سنت چندهزارساله است که ایران را به یکی از مهمترین کانون‌های معنوی جهان تبدیل کرده است اما امروز جامعه ما با این سنت تاریخی و معنوی دچار شکاف شده و باید پرسید آینده سنت و تفکر معنوی و آینده تشیع و اسلام در ایران چگونه است؟

نه قدرت سیاسی و نه اپوزیسیون درکی از دنیای جدید ندارند

او درباره تفاوت جهت‌گیری‌های ضد سنت در مشروطه با امروز، گفت: گسست تاریخی ما معنای مضاعفی پیدا کرده که در هیچ دوره تاریخی شاهدش نبودیم. جامعه ایرانی در حال یک پوست‌اندازی عمیق تاریخی و فاصله‌گیری از میراث تاریخی و اسلام و تشیع است و به عقلانیت جدید و سکولاریسم و نیهیلیسم حاصل از آن روی می‌آورد.

این استاد فلسفه ابراز کرد: ما با سونامی جدیدی روبه‌رو هستیم. جهان اسلام و کشور ما هنوز از سیلی مدرنیته گیج و گنگ بود که سیلی پسامدرنیته بر گونه‌های ما نواخته شد. به دنبال سونامی مدرنیته، هنوز نتوانسته بودیم خانمانی برپا کنیم که سونامی‌ای بمراتب قدرتمندتر، کاشانه فرهنگی ما را دارد همچون پر کاهی بازی می‌دهد.

عبدالکریمی افزود: توفان، برخاسته و ما اصلاً آماده مواجهه با آن نیستیم. روحانیت ما، قدرت سیاسی ما و گفتمان انقلاب ما، دانشگاهیان و روشنفکران ما هیچ‌کدام آماده مواجهه با این سونامی نیستند. همه درگیر سیاست‌اند و به مسائل تمدنی و تاریخی و فرهنگی توجهی ندارند. گوش‌ها کر است. ما در آینده با بحران‌های شدید هویتی، اجتماعی و تاریخی و حتی سیاسی و امنیتی مواجهیم.

عبدالکریمی با اشاره به مواجهه خود با دیدگاه‌های عجیب دانشجویانش گفت: نسل جدید می‌گوید تجزیه چه اشکالی دارد؟ مگر وطن یک کلمه مقدس است؟ اصلاً چه ضرورتی دارد اخلاقی زندگی کنیم؟ چه کسی گفته خانواده مقدس است؟

این استاد فلسفه، تصریح کرد: بدترین خطا، برخورد پلیسی-امنیتی با این شکاف تمدنی است؛ اینکه فکر کنیم این یک مساله سطحی و لجبازی چند بچه است، یا یک مساله سیاسی است، یا حاصل تبلیغات رسانه‌های بیگانه است. نمی‌گوییم اینها نیست، اما می‌گوییم هسته مرکزی بحث را باید در جای دیگری جست‌وجو کرد.

وی با ابراز تاسف از عدم توجه به مواجهه فلسفی و پدیدارشناسانه با مسائل در کشور، گفت: گوش قدرت سیاسی ما و حتی اپوزیسیون ما نسبت به تفکر کر است و همه چیز را در سطح مبتذل بازی قدرت و مطالبات سیاسی می‌بینند. نگرانی من سیاسی نیست، یک نگرانی فرهنگی تمدنی است و نسبت به این روند نگرانم.

عبدالکریمی با انتقاد از کسانی که شعار واسلاما سر می‌دهند، گفت: من می‌خواهم در کنار حوزه‌های علمیه و گفتمان انقلاب اسلامی باشم. اما می‌گویم بدون فلسفه، نمی‌توانیم شناخت درستی از مساله داشته باشیم.

وی همچنین با اشاره به کسانی که او را به محافظه‌کاری و باج دادن به حکومت متهم می‌کنند، گفت: اپوزیسیون ما درکی از نیهیلیسم و بی‌تاریخی و بی‌ماوا و بی‌خانمانی یک ملت ندارد.

حوزه و دانشگاه ما دچار تاخر تمدنی هستند

عبدالکریمی ادامه داد: همانطور که با ظهور مدرنیته، همه عوالم کهن به پایان رسید، با جهان پسامدرن هم، هرچه در جهان مدرن سفت و متصلب بود، دود شد و به هوا رفت. روند تکوین تاریخ واحد جهانی یا همان دهکده جهانی با مدرنیته شروع شد و در اتفاقات نیم قرن اخیر به شدت سرعت گرفته است. دیگر تاریخ‌های محلی بصورت مطلق نداریم و تاریخ واحد جهانی با هژمونی غرب در حال شکل‌گیری است.

عبدالکریمی، با اشاره به تفاوت‌های مدرنیته متقدم و متاخر، روحانیت و دانشگاهیان را دچار تاخر تمدنی خواند که هنوز به ارزش‌های قرن ۱۸ و ۱۹ می‌اندیشند و اضافه کرد: احکام و قواعد مدرنیته متاخر با مدرنیته متقدم خیلی فرق دارد، اما متاسفانه هم حوزه‌های علمیه ما و هم دانشگاهیان و غالب طبقه متوسط و روشنفکران ما هنوز در عالم مدرنیته متقدم هستند. مثلاً دنبال انقلاب سیاسی هستند، بی‌خبر از اینکه انقلاب سیاسی پدیده دوره متقدم است و در شرایط پسامدرن، اصلاً انقلاب معنا ندارد و هیچ زمینه‌ای برای آن نیست.

این استاد فلسفه دانشگاه آزاد، با اشاره به شکست ایدئولوژی در فروپاشی شوروی گفت: امروز نیز، ظهور شبکه جهانی ارتباطات و اطلاعات، مفهوم زمان و مکان را کاملاً از بین برد، مرزهای جغرافیایی فروریخت و همه مرجعیت‌های دینی ناکارآمد شدند؛ حتی مرجعیت پدر و مادر و معلم و استاد.

وی افزود: حوزه دچار تاخر تاریخی است و سوژه مدرن را درک نکرده. با یک پدیده آنتولوژیک مواجه است و بعضی می‌خواهند با یک سطل ماست با آن مقابله کنند. با تازپانه و خلاصه کردن متولی امر معروف و نهی از منکر در یک نهاد، می‌خواهند با یک رویداد تاریخی مقابله کنند. این درد را به که بگوییم؟ سیستمی ساخته به نام دین و تمام هم و غم آن دفاع از این سیستم به نحو جدلی است.

این استاد دانشگاه، عصر کنونی را عصر تفسیر و هرمنوتیک خواند و ابراز کرد: دین تجربه زیسته حاصل گفت‌وگوست و عصر منبر پایان یافته است. علم جدید حادثه‌ای یگانه و بزرگ در تاریخ بشری است. از سویی، بشر نمی‌تواند نسبت به تجربیات زیسته خود بی‌تفاوت باشد. اگر جهان اسلام نتواند جایگاه مشخصی برای علم جدید و تجربیات بشری در نظام معرفتی خود پیدا کند با بحران‌های عدیده مواجه خواهد بود. فقهی که علم جدید در آن جایی ندارد، برای جهان آینده حرفی برای گفتن ندارد. اگر امر دینی در برابر عرف و فقه و شریعت در برابر تجربیات بشری و عرف قرار گیرد، مخاطب مقاومت خواهد کرد.

نشست‌های «دینداری و دین‌گریزی در ایران امروز»، تا ۲۴ فروردین ماه، هر شب از ساعت ۲۱ در کانون توحید برگزار است.

اطلاعات آنلاین